

آهنگهای موسیقی ایران

در زمان ساسانیان

بقلم آقای یعیسی

یکی از هنرهائی که در زمان ساسانیان پیشرفت بسیار داشته موسیقی بوده است و از برخی اشاره‌ها که نویسندگان ایران کرده‌اند بخوبی آشکار است که این رشته در آن روزگار تاجه پایه پیشرفت کرده بود. در کتاب کارنامه اردشیر بابکان آورده‌اند که چون اردشیر را اردوان اشکانی درستور گاه‌بند افکند روزی اردشیر بنشست و طبیل زد و سرود خوانی کرد. عبدالله بن المقفع در ترجمه تازی کلیله و دمنه آورده است که چون بر زویه طبیب از هندوستان بازگشت و این نامه را با خود آورد خسرو انوشیروان چنان شاد شد که فرمود جشنی بر پا کردند و خطیبان و شاعران و ختیاگران را گفت تاهر یکی چیزی بخواند و بسراید و بنوازد. نویسندگان که از بارگاه ساسانیان سخن رانده‌اند گویند که چون جشنی برپای شد پادشاه ایران در بارگاه خویش بسور و نوش خواری می‌نشست و برده‌ای در میان بارگاه گسترده بودند که باستانی آن بیک تن از نجیب زادگان از خاندان سواران سپرده بود و وی را «خرم باش» می‌نامیدند. در آن بارگاه خوانندگان و نوازندگان جای مخصوصی داشتند و هنگامی که شاه را سرود و رامش آرزو بود خرم باش ختیاگران را می‌فرمود تا فلان راه بزنند و فلان برده را بنوازند. در میان نقش‌های برجسته‌ای که از زمان ساسانیان مانده در بیک نقش که از شکارگاه پادشاه است زنان چنگ‌زن دیده می‌شوند که هنگام شکار کردن پادشاه چنگ می‌زدند.

در میان سینی‌های سیمین که از زمان ساسانیان در روسیه یافته‌اند و در موزه ارمیтаж «Ermitage» در لنین گراد هست در بیک سینی بیکر پادشاه ساسانی دیده می‌شود که بر تختی نشسته و در برابر وی زن و چنگ‌زنی ختیاگری می‌کنند. سینی دیگر هم هست که زنی بر آذلهائی نشسته و نی می‌زند.

مسهودی در مروج الذهب می نویسد که اردشیر بابکان مردم ایران را پنج گروه بخش کرد و گروه پنجم خوانندگان و نوازندگان بودند و پس از آن بهرام پنجم (بهرام گور) این گروه را پیشی داد و بار دیگر خسرو انوشیروان ایشان را بهمان بایگامی که در زمان اردشیر داشتند باز گردانید. طبری گوید که خسرو دوم پرویز هنگامی که بندی بر روی رود دجله می ساخت جشنی گرفت و درین جشن مرزبانان و رامشگران را گرد آورد.

ازین سخنان پیداست که در زمان ساسانیان موسیقی تاجه اندازه پیشرفت داشته و ختیاگران و رامشگران از نزدیکان پادشاه و از مردم ارجمند آن روزگاران بوده اند، چنانکه ابن خلدون نیز در مقدمه تاریخ خود می نویسد که رامشگران در دربار ایران گرامی بودند و در جشن های پادشاه جای ارجمندی بایشان داده می شد.

از پرده های موسیقی ایران از زمان ساسانیان نامهایی چند در کتابهای ممانده که برخی از آنها در گوته شده و سر ایند گمان ایران مانند منوچهری و نظامی و فرهنگ نویسان آنها را نوشته اند. از آن میان سی پرده است که گویند بارید در دربار خسرو دوم بنیاد نهاده است و هر یک از آنها را در یک روز از ماه می نواخته است و نامهای آن پرده هادر برهان قاطع در کلمه «سی لیحن» دیده می شود. مسعودی نام سازهایی را که در ایران باستان بکار رفته است می شمارد و چنگ و نی و بربط و سوراوی و عود را از ایرانیان میدانند و گویند که بنیاد پرده ها و آهنگ های موسیقی و هفت سر و د خسروانی را ایرانیان نهاده اند. بنابر آنچه برخی از نویسندگان ایران گفته اند در زمان بهرام گور دسته ای از ختیاگران از هندوستان بایران آمدند که ایشان را در کتابهای ایران «لولیان» نامیده اند و موسیقی هندی در ایران راه یافت. چنان می نماید که پیش از آن ایرانیان موسیقی یونانی را گرفته باشند و ازین پس موسیقی یونانی و هندی را در آمیخته و موسیقی ایرانی را از آن ساخته باشند. بالاترین دوره پیشرفت موسیقی در ایران در روزگار پادشاهی خسرو دوم پرویز بوده است و نام چند تن موسیقی دان نامی را که در دربار وی می زیسته اند می توان در کتابها یافت:

۱) بارید نام که برخی از نویسندگان نام ویرا فلهبند نوشته اند و گویا این کلمه

از قهله ساخته شده باشد که آنهم از ماده پهلوانی آمده و پهلوان کلمه بارت نام نژاد اشکانیانست شاید نام وی «پهلوت» بوده باشد. این را مشگرنامی در دربار خسرو پرویز چنان گرامی بود که از بزرگان آن دربار بشمار می رفت و می نویسند که خسرو را اسبی بود بنام شبدیز که بدان دل بستگی بسیار داشت و چون آن اسب مرد کسی را یارای آن نبود که بخسرو بگوید، بار بدسرودی و آهنگی ساخت و آنرا بر خسرو خواند و در آن سرود ویرا از مردن شبدیز آگاه کرد. گویند وی سی پرده ساخته است که هر یک از آنها را در یک روز از ماه می خوانده است. برخی از نویسندگان گویند که وی یونانی بوده و «باربد» درجه و منصب او در دربار بوده است، بمعنی پاسبان بارگاه و حاجب دربار.

(۲) نکیسا که او را نیز گروهی یونانی دانسته اند.

(۳) بامشاذ که در پاره ای از کتابها نام او آمده.

(۴) رامتین یا رامی که نوعی از چنگ را او ساخته و بنام وی رواج یافته است.

(۵) سرکش که او را نیز یونانی دانسته اند و می پندارند که نام وی در آغاز

سرگیوس «Sergius» بوده و در فارسی سرکش شده و برخی دیگر بر آنند که سرگیوس نام نکیسا بوده و سرکش و نکیسا هر دو یک تن بوده اند و هم نکیسا و هم سرکش دگرگون شده همان سرگیوس است.

(۶) سرکب که او را نیز همان سرکش دانسته اند و گویند سرگیوس را

بعضی به «سرکب» دگرگونه کرده اند ولی برخی سیستانی شاعر بزرگ قرن پنجم ایران که خود در موسیقی دست داشته و می بایست از موسیقی دانان ساسانیان آگاه باشد سرکش و سرکب را دو تن دانسته و گفته است:

شاعرانت چو رود کی و شهید مطربانت چو سرکش و سرکب

از میان این سازندگان و نوازندگان نام بردارتر از همه همان باربد است که او

را بزرگترین استاد موسیقی در آن زمان دانسته اند و گویند رای او استادان دیگر را مانند قانون بوده است و برخی گفته اند که سیصد و شصت پرده موسیقی ساخته که بنیاد موسیقی ایران همانست و آن سیصد و شصت آهنگ برای آن بود که در هر روزی از سال آهنگ دیگری بنوازد و در میان این آهنگها پرده ای که «دستگاه شاهی» نام

داشته از پرده‌های دیگر بیشتر بکار می‌رفته. با این همه بار بدر انباید سازنده موسیقی ایران دانست زیرا چنانکه گذشت پیداست که از آغاز پادشاهی ساسانیان موسیقی در ایران بوده است. تنها چیزی که می‌توان پذیرفت اینست که شاید بار بد موسیقی را که پیش از او بوده است برده‌ها و آهنگ‌ها و دسته‌گناه‌های چند بخش کرده و برای هر يك از آنها نامی گذاشته.

از آهنگهای موسیقی ایران در زمان ساسانیان در کتابهای ماماتند دیوانهای سرابندگان و فرهنگهای فارسی و بجز آن نامهای بسیار مانده، چون تا کنون همه آنها درجائی گرد نیامده درین جامی نویسم و صدوسی نام بدست می‌آید:

- (۱) آئین جمشید، (۲) آرایش خورشید، (۳) آزادوار، (۴) ارجنه، (۵) اشکنه،
- (۶) افسر سکنزی، (۷) انگیب، (۸) اورنگی، (۹) باخرز، (۱۰) باد نوروز، (۱۱) باده،
- (۱۲) باروزنه، (۱۳) باغ سیاوشان، (۱۴) باغ شهریار، (۱۵) باغ شیرین، (۱۶) بسته، (۱۷)
- بسکنه، (۱۸) بند شهریار، (۱۹) بوسلیک، (۲۰) بهار بشکند، (۲۱) بهم‌نجنه، (۲۲) پالیزبان
- (۲۳) پرده خرم، (۲۴) پرده زنبور، (۲۵) پیک گرد، (۲۶) تخت اردشیر، (۲۷) تخت طاقدیس،
- (۲۸) تکاو، (۲۹) تیزی راست، (۳۰) تیف گنج، (۳۱) جو بران، (۳۲) چغانه، (۳۳) چکاوک،
- (۳۴) حقه کاوس یا حقه کاوسی، (۳۵) خار کن، (۳۶) خسرو، (۳۷) خسروانی، (۳۸) خما
- خسرو، (۳۹) درغم، (۴۰) دل‌انگیزان، (۴۱) دیرسال، (۴۲) دیف رخش یا دیورخش،
- (۴۳) راح و روح، (۴۴) راست، (۴۵) رامش جان یا رامش جهان، (۴۶) رامش خوار، (۴۷)
- راه گل، (۴۸) راهوی، (۴۹) روشن چراغ، (۵۰) ره جامه دران، (۵۱) زاغ، (۵۲) زنگانه،
- (۵۳) زیرافکن یا زیرافکنده، (۵۴) زیر بزرگان، (۵۵) زیر خرد، (۵۶) زیر قیصران،
- (۵۷) سازگری، (۵۸) ساز نوروز، (۵۹) سبز بهار، (۶۰) سبز در سبز، (۶۱) سپاهان، (۶۲)
- سپهبدان، (۶۳) سرانداز، (۶۴) سروستان، (۶۵) سرو سپاه، (۶۶) سروستا، (۶۷) سروستان،
- (۶۸) سروسهی، (۶۹) سیاوشان، (۷۰) سیسم، (۷۱) سایگاد (شاید سه گاه)، (۷۲) سیوارتین،
- (۷۳) شادباد، (۷۴) شادروان مروارید، (۷۵) شاورد، (۷۶) شاهی، (۷۷) شباب، (۷۸) شب‌دیز،
- (۷۹) شب‌فرخ، (۸۰) شهر رود، (۸۱) شیشم، (۸۲) عراق، (۸۳) عشاق، (۸۴) غنچه کبک
- دری، (۸۵) فرخ‌روز، (۸۶) قالوی، (۸۷) قفل‌رومی، (۸۸) کاسه‌گری، (۸۹) کبک‌دری،

(۹۰) کیخسروی (۹۱) کین ایرج (۹۲) کین سیاوش (۹۳) گاو یزنه (۹۴) گل (۹۵) گازار،
 (۹۶) گل نوش (۹۷) گنج باد (۹۸) گنج باد آورد (۹۹) گنج ساخته (۱۰۰) گنج سوخته،
 (۱۰۱) گنج کاروان (۱۰۲) گنج گاو (۱۰۳) گنج وار (۱۰۴) ماه بر کوهان (۱۰۵) ماد
 روسنان (شاید ماله روشنان) (۱۰۶) مروای نیک (۱۰۷) مشک دانه (۱۰۸) مشک مالی (۱۰۹)
 مشکویه (۱۱۰) مهر بانی (۱۱۱) مهر گان بزرگ (۱۱۲) مهر گان خرد (۱۱۳) مهر گانی
 (۱۱۴) ناز نوروز (۱۱۵) ناقوسی (۱۱۶) نخجیر گان (۱۱۷) نوا (۱۱۸) نوبهاری (۱۱۹)
 نوروز بزرگ (۱۲۰) نوروز خارا (۱۲۱) نوروز خردک (۱۲۲) نوروز کعبادیا نوروز
 کعبادی (۱۲۳) نوش (۱۲۴) نوشین باده (۱۲۵) نوشین لیبیان (۱۲۶) نهاوندی (۱۲۷)
 نهفت (۱۲۸) نیم راست (۱۲۹) نیمروز (۱۳۰) هفت گنج.

ازین صد وسی پرده سی آهنگ را از باربد دانسته اند و برخی ازین پرده ها
 تا سالیان دراز پس از برچیده شدن پادشاهی ساسانیان در میان بوده چنانکه منوچهری
 در شعر خود از آنها نام می برد و پیداست که در زمان وی بکار می برده اند و برخی
 از آنها هنوز در میان مردم ایران هست و بهمان نام باستانی خود خوانده می شود.
 در میان این پرده ها چون برخی از نامهای پادشاهان و پهلوانان داستانها و تاریخ ایران
 دیده می شود مانند آئین جمشید و باغ سیاوشان و باغ شهریار و باغ شیرین و بند شهریار و
 تخت اردشیر و حقه کاوس و خسرو و خسروانی و خما خسرو و سیاوشان و شب دیز و
 کیخسروی و کین ایرج و کین سیاوش و نوروز کعباد شاید بتوان گفت که در آن
 آهنگهایی که این نامها را داشته هر گونه شعری نمی خوانده اند و شاید شعرهایی که
 داستانهای ایرانی در آن بوده درین پرده ها خوانده می شده و این پرده ها را تنها برای
 آن داستانها ساخته بودند.

سازهاییکه در زمان ساسانیان بکار میرفته نی و رباب و عود و چنگ و چغانه و ورود
 و سورنای و کرنای و بریط و طنبور و ارغنون بوده است و نیز سازهایی بوده که برخی از
 ناحیه های ایران مخصوص بوده چون چنگ هفت سیم مخصوص بسغد و چنگ سفدی
 رواج بسیار داشت و تا اواسط سده پنجم هجری بکار میرفته ولی درری و طبرستان و دیلمستان
 بیشتر رباب رواج داشته است و آن چند قسم بوده و ورود نیز چند قسم داشته که یکی از آنها را

شهرود می نامیده اند. مسعودی گوید که مردم خراسان چنگ را بکار می بردند و مردم طبرستان و دیلمستان رباب را بیشتر می پسندیدند.

ارمنستان که همواره در میان قلمرو ایران بوده از موسیقی ایران پیروی می کرده است، تاریخ نویسان ارمنی گویند که دو هزار سال پیش در ارمنستان سرودها و آوازهایی در باب پهلووان می خوانده اند که آواز و ساز را در آن باهم توأم می کرده اند، بنا بر داستانهای که در میان ارمنیان رواج دارد در سده پنجم میلادی دو تن از پیشوایان دین ترسا در ارمنستان نخستین سرودهای دینی را که در میان ارمنیان «شاراکان» نامیده می شود بنیاد نهاده اند و این دو پیشوای «Sahak» و «Mesrop» نامی بوده اند اگر این داستان بنیاد تاریخی نداشته باشد چیزی که در این میان شک بر دار نیست اینست که در زمان ساسانیان موسیقی ایران در ارمنستان رواج بسیار داشت. در آن دیار از دیر باز مردمی بوده اند مانند ترور «Tronvère» های اروپا دردها و شهرهای گذشته اند و سرودهایی مینواخته اند و در زبان ارمنی آنها را «عاشوق» می نامند و پیداست که این کلمه از «عاشق» گرفته شده زیرا که در سرودها و ترانه های خویش شعرهای عاشقانه بکار می برده اند و با آهنگ عاشقانه سرودخوانی و ترانه سازی می کرده اند و چیزی که رواج موسیقی ایرانی را در ارمنستان در زمان ساسانیان آشکار می کند اینست که در زبان ارمنی یک سلسله از برده های موسیقی را بنام «خسرو آئین» می خوانند و پیداست که این از نام خسرو پرویز گرفته شده و از کتابهای ارمنی چنین برمی آید که در دربار خسرو دوم را مشیگری ارمنی بوده است بنام سرکیس هوروم «Sarkis Horom» که شاید سرکش که پیش ازین نام بردم همان باشد و نیز در کتابهای ارمنی نام ساز را آورده اند که آنرا «بربود» «Beboud» خوانده اند و پیداست که نام این ساز از همان نام باربد بیرون آمده و هر چند که نوشته اند که این ساز در ارمنستان ساخته شده ولیکن شاید که آنرا نیز باربد ساخته و بنام خود رواج داده است. در همین زمان در ارمنستان دو استاد بزرگ موسیقی بوده اند یکی بنام کمیتاس کاتلیق «Komitas Catholicos» و دیگری بنام آنانیا شیراکاتزی «Anania Chirakatzji» که آهنگهای چندی از خود گذاشته اند و در آن آهنگها اثر موسیقی ایران دیده میشود.